همشهری
سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲
۳ شعبان ۱۴۴۵
سال سی‌ودوم
شماره ۹۰۲۶

سیمرغ، وسواسم را بیشتر می‌کند

گفت‌وگو با مارال بنی‌آدم برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره فیلم فجر

گفت‌وگو
فهیمه پناه‌آذر
روزنامه‌نگار

جشنواره

مارال بنی‌آدم فعالیتش را از اوایل دهه ۹۰ با حضور روی صحنه تئاتر شروع کرد. نخستین تجربه‌اش بازی کوتاه در «فروشنده» اصغر فرهادی بود. بنی‌آدم بعدها در فیلم «در آغوش درخت» خواجه پاشا بازی کرد و در جشنواره فجر نامزد دریافت سیمرغ بهترین بازیگر زن شد و امسال در جشنواره چهل‌ودوم با بازی در فیلم «پروین» توانست جایزه بهترین بازیگر زن را از آن خود کند. تاکنون چه در سینما و چه در تلویزیون و چه در تئاتر کمتر به چهره‌های ادبی و هنری پرداخته شده و درباره پروین اعتصامی هم حداکثر در سریال نمایش خانگی «شبکه مخفی زنان» پرداخته شده و حسین کیانی نمایشی باعنوان «پروین» را روی صحنه برده است؛ اما خیلی‌ها معتقدند که نزدیک‌ترین چهره به پروین اعتصامی در فیلم «پروین» با نام قبلی «معجزه پروین» محمدرضا ورزی و با بازی مارال بنی‌آدم شکل گرفته است. بنی‌آدم می‌گوید که پروسه گریمش برای گروه سخت و پیچیده بوده است. همچنین بنی‌آدم خودش را مدیون تئاتر می‌داند و می‌گوید که بعد از این در انتخاب نقش‌هایش وسواس بیشتری خواهد داشت.

سال گذشته نامزد دریافت سیمرغ برای بازیگری شدید و امسال توانستید جایزه را بگیرید. چه حس و حالی از دریافت سیمرغ دارید؟

طبیعتا از دریافت سیمرغ جشنواره خیلی خوشحالم، اما این خوشحالی‌ام توضیحاتی دارد. من در جامعه هنری تئاتر، آموزش و پرورش یافته‌ام. از استادانم آموخته و تجربه کرده‌ام و می‌دانم این تجربه هنوز تمام نشده و تا به امروز و بعدها نیز تجربه خواهم کرد و یاد خواهم گرفت. خوشحالی و خرسند بودنم بیشتر به همین دلیل است که تئاتر به من آموخته و اگر امروز به‌زعم برخی بازیگر خوبی بوده‌ام و توانسته‌ام از عهده بازی در نقش‌هایی که داشته‌ام بربیایم، همه را مدیون تئاتر و جامعه تئاتر هستم. خوشحالم از اینکه به‌طور قطع، بودن در این محیط و این آموزش‌ها جواب داده و امروز این عنوان به دستم رسیده است.

فکر می‌کنید بعد از دریافت سیمرغ، این جایزه چقدر در مسیر بازیگری شما و همچنین کارهای بعدی و آینده شما تأثیرگذار خواهد بود؟

به‌طور حتم در انتخاب‌هایم همیشه یک وسواس خاصی دارم. قطعا در مسیر بازیگری باز هم وسواس بیشتری خواهم داشت؛ چراکه پس از این انتخاب، کار من زیر ذره‌بین خواهد بود البته این نکته را هم بگویم که اگر حتی این عنوان را نمی‌گرفتم باز هم مثل سابق سختگیر می‌بودم؛ اینکه چه نقشی و از آن مهم‌تر چه متن و چه درامی را به‌عنوان بازیگر در یک فیلم سهیم خواهم بود، چه تأثیری بر هنر و فرهنگ میهنم خواهد داشت، چه قشری را موردنظر خواهم داشت وچه تجربه و آورده‌ای در هنر بازیگری‌ام با بازی در یک نقش به‌دست می‌آورم؟ همه اینها دلایلی خواهند بود که با درنظر گرفتن آنها دست به انتخاب می‌زنم.

حالا که حضورتان در سینما به سیمرغ رسیده، باز هم به تئاتر برمی‌گردید؟

تئاتر جایگاه و خاستگاه من است. ما اکنون در حال آماده کردن یک تئاتر هستیم و می‌خواهیم تمریناتش را شروع کنیم.

بعد از تئاتر، اولویت شما سینماست یا تلویزیون؟

قطعا پس از تئاتر، سینما اولویت من است و امیدوارم که لطف خداوند همچنان شامل من باشد و نقش‌های چالش‌برانگیزی به بنده پیشنهاد شود.

از بازیگران شناخته‌شده تئاتری هستید که مدیومی چون سینما را تجربه کرده‌اید، حضور در سینما را چطور می‌بینید؟

به‌عنوان یک بازیگر احساس می‌کنم یک رسالتی دارم. جدا از اینکه بازیگری حرفه من است، اما من همیشه به آن به چشم یک رسالت نگاه کرده‌ام. برایم مهم بوده بتوانم نقش تأثیرگذاری را چه در تئاتر و چه در تصویر بازی کنم که ماندگار باشد. تمام تلاشم این است و همانطور هم که اول گفت‌وگو گفتم، اصلا برایم مهم نیست زیاد و پشت‌سر هم کار کنم. برای من نقش‌هایی که بازی می‌کنم بسیار مهم هستند و تا به امروز هم تلاش کرده‌ام در این روند اشتباه نکنم.

شاید یکی، دو بار نقش‌هایی را که نباید، قبول و در فیلم‌هایی بازی کرده‌ام که فیلمنامه‌های ضعیفی داشته‌اند یا در زمان فیلمبرداری تغییرات زیادی کرده‌اند؛ ولی برایم تجربه شده تا دیگر تکرار نشود. همیشه به این فکر می‌کنم که در نقش‌های ماندگار بازی کنم. احترام زیادی هم برای بازیگری در هر مدیومی قائل هستم، ولی به‌نظرم بازی در تئاتر واقعا سخت‌تر از بازی جلوی دوربین است.

از انتخاب نقش‌هایتان بگویید. بعد از «در آغوش درخت» در «پروین» بازی کردید. این انتخاب چگونه شکل گرفت و اینکه وقتی نقشی به شما پیشنهاد می‌شود، اولویت انتخابتان با چیست؟

اعتقاد دارم حتی یک پلان در یک فیلم یا یک قسمت یا سکانس در یک‌سریال می‌تواند آنقدر به دیده‌شدن بازیگر کمک کند که لازم نباشد از ابتدا تا انتهای فیلم یا یک‌سریال حضور داشته باشد یا حتی تئاتر. این به توانایی بازیگر برمی‌گردد که بتواند نقشی را که به او پیشنهاد می‌شود، بسازد؛ به همین دلیل برای من مهم نیست نقش اول باشم. من نقشی را قبول می‌کنم که تأثیرگذار باشد و برایم چالش داشته باشد. چند وقت پیش یکی از همکاران، من را برای بازی در یک‌سریال در شبکه نمایش خانگی دعوت کرد که جزو نقش‌های اصلی بود. بازیگرانی هم که قرار بود با آنها بازی داشته باشم، همه بازیگران چهره بودند، ولی من نقشی را دوست داشتم که شاید بازی کمتری داشت و با بازیگران چهره هم رودررو نبود؛ چون به‌نظر خودم مرا به چالش می‌کشید. احساس می‌کردم برای من آزمایش بزرگی است اگر بتوانم در آن نقش دیده شوم. در نهایت با هم به نتیجه نرسیدیم و این اتفاق نیفتاد، ولی برای من مهم است که نقشی که بازی می‌کنم به من انگیزه بدهد تا توانایی‌هایم را نشان بدهم و در آن نقش تا جایی که توان داشته باشم، بدرخشم.

حضورتان در فیلم «پروین» چگونه شکل گرفت؟ چه ویژگی‌هایی در فیلم بود که نقش پروین را انتخاب کردید؟

پروژه پروین در حال پیش‌تولید بود که به من پیشنهاد بازی در آن را دادند. قرار بود در سریال زخم‌کاری همکاری داشته باشم و حتی ۳سکانس هم بازی کرده بودم، ولی از آنجا که روند فیلمنامه در فصل سوم تغییراتی کرد که باب میل من نبود و احساس کردم هیچ چالشی برای من نخواهد داشت، صحبت کردم و دلایلم را توضیح دادم و آنها هم پذیرفتند و از کار بیرون آمدم. بعد از آن دوباره برای پروین با من تماس گرفتند و متوجه شدند دیگر در «زخم‌کاری» نیستم که از من دعوت کردند در این فیلم بازی کنم.

در نقش یکی از شاعران بزرگ ایران بازی کرده‌اید. لزوما برای رسیدن به نقش و بازی در قالب پروین چه کردید؟

این پروژه باعث شد ارادتم به یکی از شاعران مهم کشورم خیلی بیشتر شود؛ چون فوق‌العاده زیاد درباره او تحقیق و مطالعه کردم. تمام شعرهای او را خواندم. از دوستان محققم کمک گرفتم و مطالب مهمی به دستم رسید. حتی سر مزارش رفتم و از او کسب اجازه کردم که بتوانم نقشش را بازی کنم. او بسیار انسان بزرگ و تأثیرگذاری بوده است؛ حتی بعضی از تحقیقات من در فیلمنامه هم لحاظ شد.

یکی از نکات قابل توجه گریم شما بود و اینکه شباهت زیادی به پروین اعتصامی در مقایسه با یکی، دو نمونه کار تئاتر و سریالی که تولید شده بود، داشتید. برایتان این تغییر سخت نبود؟

از نظر ویژگی‌های ظاهری من اصلا شبیه پروین اعتصامی نیستم و برای اینکه به نقش از نظر چهره نزدیک شوم، با تیم حرفه‌ای گریم آقای خلج و مجریانشان خیلی بحث و گفت‌وگو داشتیم. از آنها خواستم برایم از پروگ استفاده نکنند و موهای خودم را کوتاه کنند و ابروهایم را کامل تیغ بزنند. از طرف دیگر از آنجا که صورت من خیلی تکیده‌تر از صورت پروین اعتصامی بود، با یک متخصص تغذیه صحبت کردم و حتی با مشاورت با یک متخصص پوست و زیبایی، فیلر تزریق کردم تا صورتم پرتر شود. باز هم می‌گویم واقعا برای اینکه شبیه پروین اعتصامی شوم، گروه گریم زحمت زیادی کشیدند.

محمدرضا ورزی بیشترین کارگردانی را در تولید سریال‌های تلویزیونی داشته و دارد. از تجربه همکاری با او بگویید.

از قبل با آقای محمدرضا ورزی آشنایی نداشتم. وقتی برای نخستین‌بار با او ملاقات کردم، برخورد بسیار خوشایندی داشت. او انسانی بسیار خوش‌اخلاق و بامطالعه و کارگردان بسیار خوبی است. خیلی هم در روند شکل‌گرفتن این نقش به من کمک کرد و از او واقعا متشکرم. به‌خودش هم گفتم خیلی خوشحالم که با ایشان آشنا شدم و همکاری کردم؛ چون کارگردان دقیق و انعطاف‌پذیری است. او درک بالایی دارد و جدا از کارگردانی، حال خوب کل تیم برایش مهم است؛ به همین علت هیچ نوع تنش و سختی در این کار نداشتم. روزی هم که کار تمام شد، آنقدر ناراحت بودم که انگار دارم از خانواده‌ام جدا می‌شوم. گروه هم گروه بسیار خوبی بود. چه کسانی که پشت صحنه بودند و چه گروه بازیگران.

با اینکه شاعران و نویسندگان زن سرشناسی داریم، اما در این سال‌ها به پرتره چهره‌ها پرداخته نشده است. به نظر شما تولید و اکران چنین فیلم‌هایی می‌تواند مخاطب امروز سینما را درگیر خود کند؟

به‌نظرم خیلی زیاد. در مورد پروین می‌توانم بگویم علاوه بر ساخت دراماتیک زندگی پروین اعتصامی، این مهم است که او در دورانی زندگی می‌کرده که زنان اجازه حضور در حوزه‌های مختلف اجتماعی را نداشتند و تمام جامعه انگار برای مردان ساخته شده بود. پروین اعتصامی تابوشکنی می‌کند و این کار را هم با اتکا به ادبیات و شعرش انجام می‌دهد. در آن زمان ما شعرای مرد بزرگی داشتیم، ولی پروین اعتصامی به‌عنوان یک زن تمام مسائل اجتماعی و سیاسی را در شعرش مطرح می‌کند و همین امر را تا امروز ماندگار کرده است. وقتی دیوان پروین را ورق می‌زنید، می‌بینید از هر مسئله اجتماعی با تمام جزئیات صحبت کرده است و چیزی نبوده که از دیدش پنهان مانده باشد یا برایش دغدغه نباشد.

من بعد از اینکه قبول کردم این نقش را بازی کنم، با خودم فکر می‌کردم چرا پرداختن به یک انسان بزرگ و اندیشمند مثل پروین اعتصامی در قالب فیلم دیر انجام شده و چرا در درس ادبیات مدرسه آنطور که باید به او پرداخته نشده است؟ به‌نظرم در دانشگاه و مدرسه باید یک واحد را به شعرایی اختصاص دهند که تاریخ ما را در شعرهایشان تصویر کرده‌اند. چقدر خوب است که ما به‌عنوان یک ایرانی بدانیم بزرگانی هستند که جلوتر از زمان خودشان بوده‌اند.

از نظر ویژگی‌های ظاهری من اصلا شبیه پروین اعتصامی نیستم و برای اینکه به نقش از نظر چهره نزدیک شوم، با تیم حرفه‌ای گریم آقای خلج و مجریانشان خیلی بحث و گفت‌وگو داشتیم

به‌نظرم در دانشگاه و مدرسه باید یک واحد را به شعرایی اختصاص دهند که تاریخ ما را در شعرهایشان تصویر کرده‌اند. چقدر خوب است که ما به‌عنوان یک ایرانی بدانیم بزرگانی هستند که جلوتر از زمان خودشان بوده‌اند

قطعا در مسیر بازیگری باز هم وسواس بیشتری خواهم داشت؛ چراکه پس از این انتخاب، کار من زیر ذره‌بین خواهد بود؛ البته این نکته را هم بگویم که اگر حتی این عنوان را نمی‌گرفتم باز هم مثل سابق سختگیر می‌بودم

مگث

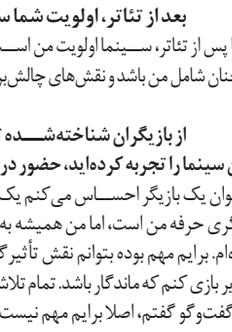

بازی در نقش شخصیتی که کامل بود

قطعا نظر منتقدان و عزیزانی که فیلم را دیدند، برایم مهم است که بالاخره نقدها به نفع فیلم باشد. به‌ویژه برای خودم به‌عنوان مارال بنی‌آدم، این مهم است که مسئولیتی را که بر عهده گرفتم، درست انجام داده باشم و به‌عنوان یک هنرمند کارم درست بوده باشد. پروین اعتصامی شخصیتی کامل بود که من قرار بود او را بازی کنم و قرار نبود این شخصیت را بسازم و کلیت این ماجرا برایم چالش‌برانگیز بود. یکی از چالش‌برانگیزترین صحنه‌ها، زمانی بود که یک زن وارد مجلسی مردانه می‌شود و پروین می‌خواهد در این جمع مردانه خود را محک بزند و نشان دهد در دانش و مهارت کم ندارد.

اینکه او نباید در گوشه‌ای بماند و باید مقاوم حرفش را بزند، برای من چالش بود. من یک پادکست درباره پروین اعتصامی دانلود کردم و مدام از آن کمک می‌گرفتم. قبل از فیلمبرداری و حتی حین ساخت فیلم دائم این پادکست را گوش می‌کردم یا سعی می‌کردم رویه زندگی‌ام را تغییر دهم و فقط با این شعرها زندگی‌ام را سپری کنم. حتی اگر موسیقی گوش می‌دادم، قطعاتی را انتخاب می‌کردم که مرا به آن زمان ببرد یا کتاب‌هایی متعلق به تاریخ آن زمان مطالعه می‌کردم تا رنگی از این فضا در زندگی من باشد. دوست عزیزی دارم که از سال‌ها پیش و دوره دبیرستان با هم رفاقت داریم و او حس و حالی شاعرانه دارد، من از او خواستم شعرها را با لحن خودش بخواند. خیلی دنبال چنین مؤلفه‌ها و نکته‌هایی بودم که ذره‌ذره مرا به نقشم نزدیک کند.

عکس: سروش منوچهری

نقل قول

آتش‌بس پایدار به‌جای بمباران

مارک رافلو در مراسم اهدای جوایز انجمن کارگردان‌های آمریکا:

۲۷هزار فلسطینی جان خود را از دست داده‌اند؛ پس این بمباران اثر ندارد؛ ما که راه خود را به‌سوی صلح، بمباران نمی‌کنیم. تنها چیزی که باید گفت این است که فرصت‌دادن به آتش‌بس چه اشکالی دارد؟ ما در حال حاضر یک میلیون پناهنده در مرز رفح داریم که در انتظار موج بمباران دیگری هستند، درحالی‌که در حال حاضر ۴۰۰هزار نفر از گرسنگی در آستانه مرگ هستند و اجازه ورود هیچ کمک بشردوستانه‌ای به آنجا داده نمی‌شود.

بنابراین ما از رهبران جهان به‌ویژه باید می‌خواهیم به‌دنبال آتش‌بس، آن‌هم یک آتش‌بس پایدار به‌جای بمباران مداوم و تشدید خشونت و آنچه به‌زودی به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل خواهد شد، باشند. باید خواستار صلح باشیم وگرنه خودمان هم به جنگ در منطقه کشیده می‌شویم./ ددلاین

اسکار بهترین انتخاب بازیگر

اسکار بهترین انتخاب بازیگر به فهرست جوایز آکادمی اسکار اضافه می‌شود. آکادمی اسکار از اعطای یک جایزه جدید برای نخستین‌بار در سال ۲۰۲۶ خبر داد که به بهترین انتخاب بازیگر (Cas ting) تعلق خواهد گرفت و جدیدترین جایزه‌ای است که پس از سال ۲۰۰۲ و معرفی جایزه بهترین انیمیشن بلند، به این جوایز سینمایی اضافه می‌شود. این خبر در حالی اعلام شده است که آکادمی اسکار به‌ویژه در سال‌های اخیر با فشار فزاینده‌ای برای تجمیع جوایز شاخه‌های مختلف جهت حفظ هرچه بیشتر بیننده‌های این رویداد سینمایی روبه‌رو بوده است. هنوز اما مشخص نیست که آیا قرار است اعطای جایزه اسکار «بهترین انتخاب بازیگر» در پخش تلویزیونی این مراسم گنجانده شود یا خیر. در حال حاضر جوایز اسکار در ۲۳شاخه اعطا می‌شود؛ اگرچه اغلب بینندگان بیشتر تمایل به تماشای ۴ یا ۵ شاخه اصلی را دارند. از سوی دیگر، آکادمی اسکار در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای از مسئولان انتخاب بازیگر استقبال کرده است و شاغلان این حرفه برای چندین‌دهه از اعضای آکادمی بودند و از سال ۲۰۱۳ که شاخه‌ای مجزا برای آنها تعریف شد، به‌عنوان اعضای کل آکادمی طبقه‌بندی می‌شدند.

یادداشت

خسرو دهقان
منتقد سینما

رضایت همگانی مأموریت غیرممکن

۱ و اما داوری. داوری امر ظریف و خطیری است که نزدیک شدن و تحلیل کردنش قدری سخت است. سخت است نزدیک شدن و داوری کردن درباره داوری. داوری راجع به داوری خیلی کار مقدور به امکانی نیست. داوری مقوله‌ای نیست که بشود واردش شد و در عین حال همه را راضی کرد. داوری خوب و بد نداریم. داوری کم و زیاد نداریم. داوری داوری است و به‌طور طبیعی عده‌ای را راضی خواهد کرد و عده‌ای را ناراضی. عده‌ای بینابین و یک عده نظر نمی‌دهند. یک عده می‌گویند بعدا نظر می‌دهیم و یک عده با سیاست از کنارش عبور می‌کنند.

۲ تجربه‌خودم را درباره داوری جشنواره فجر برایتان تعریف می‌کنم تا ببینید داوری چقدر کار ظریف و لطیفی است و چقدر یک طور سهل و ممتنع است و خلاصه اینکه داستان چیست و چرا نمی‌شود همگان را راضی کرد. در جلسه‌ای بودیم و بعد از اینکه صحبت‌هایمان تمام شد و نظری دادیم و این حرف‌ها، من پای پلکان برقی بودم که به طبقه بالا و در قسمتی که برای استراحت داوران در نظر گرفته بودند بروم؛ می‌خواستم استراحتی بکنم و چایی بخورم و در کنار داوری دیگر، کمی رفع خستگی کنم. قبل از اینکه پایم را بگذارم روی پلکان برقی یکی از دوستان - یکی از شاگردان قدیمی‌ام - کنارم آمد که «استاد این هم شد داوری درباره فلان شخص و فلان فیلم و من اصلا انتظارش را نداشتم و خلاصه داوری بی‌مورد و ناعادلانه‌ای بود.» من هم با احترام سر تکان دادم و حال و احوال کردم و در همین لحظات وارد پلکان برقی شدم و با آن شخص خداحافظی کردم. چند لحظه بعد پلکان برقی به انتهای مسیر رسید. چند قدمی رفتم و وارد اتاق شدم. یک بنده خدایی برایمان چای آورد و یک بنده خدای دیگری مشابه آن آدمی که پایین ایستاده بود، (یک دوستی یا یک همکاری)، با نوک انگشت از من اجازه گرفت که بیاید جلو و حرف بزند و آن شخص راجع به همان فیلم و همان انتخاب ما آنقدر مشعوف بود که می‌خواست من را بغل کند که «آقا دمتون گرم، عالی، چقدر بجا، چقدر نکته‌سنج» و من هم تعارف کردم که بفرمایید چای بخورید و او طبعا ننشست و دست داد و تشکر کرد و رفت. تمام این ماجرا در کمتر از ۵دقیقه اتفاق افتاد. یعنی ۲عزیز دوست‌داشتنی که هنوز هم برایشان احترام زیادی قائلم، به فاصله ۵دقیقه، راجع به یک فیلم، ۲نظر عکس هم دادند. حالا چه باید کرد؟

۳ به‌نظر من داور باید کار خودش را بکند. به دلایلی، درست یا غلط، خوب یا بد، بجا یا نابجا انتخابش کرده‌اند و حالا باید او وظیفه‌ای که برعهده گرفته را انجام دهد.

نظر داور همیشه محترم است ولی اینکه داور بتواند محبوب‌القلوب شود و همه را راضی کند چنین نخواهد بود. فقط درباره داوری یک نکته وجود دارد، اینکه بتواند به وجدانش، به نیاتش، به خواسته‌های درونی‌اش، پاسخ مثبت بدهد و بتواند شب راحت سرش را روی بالش بگذارد و بخوابد و خیالش آسوده باشد که آلوده هیچ زدوبندی نشده و آن رأیی که داده رأی قلبی‌اش بوده و با توجه به سواد و امکانات و تخصصش بوده ولاغیر. داوری مقوله سختی است. مقوله تندی است. خلاصه عسل نیست. شیرین و متبوع نیست. داوری داوری است. هیچ کاریش هم نمی‌شود کرد. با پوزش باید بگویم همینی که هست.

پلان

یک پایان سینمایی

مراسم اختتامیه چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، فارغ از حاشیه‌ها که بخشی جدایی‌ناپذیر از رویدادهایی از این دست است، در ادامه افتتاحیه و از امتیازهای این دوره بود. مراسم با ضرباهنگی مناسب پیش رفت، کند و ملال‌انگیز نشد و خسته‌کننده نبود. اجرای ۳قطعه توسط محمد معتمدی در فضایی متفاوت، یکی دیگر از بخش‌های جذاب این رخداد بود. در اختتامیه امسال چند ویدئو (کلیپ) پخش شد که ساخت و اجرایی حرفه‌ای داشت به‌ویژه ویدئوی یاد بزرگان که ایده‌ای تازه و خلاقانه داشت. مراسم پایانی چهل و دومین جشنواره فیلم فجر غمگین نبود. در عین اشاره به مناسبت‌های سیاسی مانند دهه فجر و شهادت مردم مظلوم غزه، فضا تا انتها سینمایی پیش رفت و تماشاگران در سالن را درگیر کرد. یکی از بخش‌های جالب مراسم یک‌شنبه شب، استفاده درست از موسیقی فیلم‌های ایرانی (که در افتتاحیه هم دیده بودیم) و استفاده از بضاعت حضور مهمانان و سینماگران برای شوربخشیدن به اختتامیه بود. حضور محمود کلاری روی سن برای اهدای جایزه کوهیار و تشویق مجید انتظامی نقاط عطفی بودند که به مراسم پایانی جشنواره جان دادند. افتتاحیه و اختتامیه چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، اجرایی فکر شده و نوآورانه داشتند. در هر دو مراسم، عشق به سینما حرف اول را می‌زد و این دوست‌داشتنی بود.